ترجمهٔ فارسی

اربعین نووی

مؤلف:

امام یحیی بن شرف نووی

مترجم:

داود نارویی

نووی، یحیی بن شرف، ۶۳۱ق.۶۷۶-ق.
[الاربعین. عربی - فارسی]
ترجمه فارسی الاربعین / امام نووی: ترجمه داود نارویی.
چاپ سوم: ۱۳۸۸. تهران: احسان، ۱۳۸۸.
۹۶ ص. ISBN: 978-964-6873-13-1
۱. اربعینات -- قرن۷ ق. ۲. احادیث اهل سنت -- قرن ۷ق.
الف. نارویی، داود، ۱۳۵۹ - ، مترجم. ب. عنوان.
BP۱۴۳/ ۹ن الف۴۰۴۱ ۲۹۷/۲۱۸
کتابخانه ملی ایران م۸۱-۱۹۵۹

الأربعين نووی

نویسنده: امام یحیی بن شرف نووی
مترجم: داود نارویی
ناشر: نشر احسان
تیراژ: ۱۵۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: سوم - ۱۳۸۸
چاپ: هزارنقش
قیمت: ۵۰۰ تومان

تهران - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه - مجتمع
فروزنده - شمارهٔ ۴۰۶ - تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴

ISBN:978-964-6873-13-1
شابک: ۱-۱۳-۶۸۷۳-۹۶۴-۹۷۸



فهرست





بسم الله الرحمن الرحیم

پیش‌گفتار مترجم (چاپ دوم)



هنگامی که چاپ نخست این اثر آماده می‌شد، ضرورت نوشتن پیشگفتار برای آن احساس نشد، زیرا هم‌زمان با ترجمه‌ی آن درصدد نگاشتن شرحی موجز برای آن بودم، امّا سپس با فراهم آمدنِ شرح‌های دیگر از تداوم نگارش آن چشم فرو بستم. ولی اینک که چاپ دوم آن به بازار کتاب عرضه می‌شود خود را از نگاشتن پیش‌سخنی گذرا ناگزیر می‌بینم. پیشاپیش بایسته‌ی یادآوری است که استقبال گرم کتابخوانان و حدیث‌دوستان از ترجمه‌ی این اثر، برای من جای بسی خرسندی دارد. در چاپ دوم افزون بر اصلاح خطاها و

افتادگی‌های چاپیِ چاپ پیشین، متن ترجمه نیز ویرایش مجدّد شده است.



کتاب چهل حدیث (اربعین) اثر یحیی‌بن شرف نووی (۶۷۶-۶۳۱ هـ.ق) از زمان تألیف تاکنون بین مردم از اهمیتی ویژه برخوردار بوده است. نویسنده خود شرحی بر آن نگاشته و در پایان نیز واژه‌های دشواریاب آن را با بیان معنا و مفهوم، آورده است. پس از وی نیز در درازنای سده‌های بعدی، دیگر نویسندگان و پژوهشگران بر آن شرح‌هایی نگاشته‌اند. در دوران ما نیز چند تن از پژوهشگران، شرح‌های جداگانه‌ای بر آن نگاشته‌اند و حتی یکی دو شرح به زبان فارسی نیز پس از چاپ نخست این ترجمه، به بازار آمده است.

بدین سبب این ترجمه را با بازنگری و افزودن

آنکه هنگام عرضه‌ی آن به بازار کتاب، همچنان با نقدها و نظرات نکته‌بینانه‌ی خوانندگان، بتوانیم در آینده هرچه بهتر و استوارتر آن را در اختیار خوانندگان بگذاریم.



داود ناروئی

۱۷ دیماه ۱۳۸۴ هـ. ش

۶ ذیحجه ۱۴۲۶ هـ. ق

پیشگفتار مؤلف



سپاس خداوندی را سزاست که پروردگار جهانیان، بر پا دارندهٔ آسمان و زمین و چاره‌اندیش همهٔ مخلوقات است. هموست که پیامبران ـ درود و سلام خداوند بر آنان باد ـ را برای انسان‌های مکلف برانگیخته، تا آنان را رهنمون شوند و از طریق دلایل قطعی و دندانشکن و حجت‌ها و برهان‌های آشکار و روشن، قوانین دین را تبیین کنند. او را به سبب همه نعمت‌هایش می‌ستایم و مزید لطف و کرم او را مسئلت دارم.

گواهی می‌دهم که معبودی [راستین] جز خداوند یگانه، قهار، کریم و آمرزنده وجود ندارد. همچنین

گواهی می‌دهم که سرور ما حضرت محمد، بنده و پیامبر و خلیل و محبوب خدا، برترین مخلوقات است، که با قرآن کریم ـ کتابی که با گذر زمان، به عنوان معجزهٔ جاودان و همیشگی خداوند به شمار می‌رود ـ و سننی گرامی داشته که برای حق‌جویان و هدایت خواهان، روشنگر و راهنما هستند. خداوند سخنان جامع و پرمعنا و دین آسان و با سماحت را به حضرت محمد اختصاص داده است. درود و سلام خداوند بر او و دیگر پیامبران و نیکان باد!

باری، از علی بن ابی‌طالب، عبدالله بن‌مسعود، معاذبن جبل، ابوالدرداء، ابن‌عمر، ابن‌عباس، انس بن مالک، ابوهُرَیره و ابوسعید خدری رضی الله عنهم به طرق مختلف و سندهای گوناگون روایت شده که



«مَن حَفِظَ عَلی أُمَّتِی أَرْبَعِیْنَ حَدِیْثاً فِی أَمْرِ دِیْنِها، بَعَثَهُ اللهُ فِی زُمْرَةِ الفُقَهَاءِ وَ العُلَمَاءِ.» و فی روایة: «بَعَثَهُ اللهُ فَقِیْهاً عَالِماً.» و فی روایة أبی الدرداء: «وَ کُنْتُ لَهُ یَوْمَ القِیَامَةِ شَافِعاً وَ شَهِیْداً.» و فی روایة ابن مسعود: «قِیْلَ لَهُ: أُدْخُلْ مِنْ أیِّ أَبْوَابِ الجَنَّةِ شِئْتَ.» و فی روایة ابن عمر: «کُتِبَ فِی زُمْرَةِ العُلَماءِ، وَ حُشِرَ فِی زُمْرَةِ الشُّهَدَاءِ.»

«کسی که چهل حدیث در باب مسائل دینی امتم، به خاطر بسپارد، خداوند در روز قیامت او را در زمرهٔ فقهیان و عالمان برمی‌انگیزد.» در روایت دیگری هست: «خداوند او را به عنوان یک فقیه و عالم برمی‌انگیزد.» و در روایت ابوالدرداء آمده: «در روز قیامت من سفارش کننده و گواه او می‌شوم.» باز در روایت ابن مسعود آمده: «به او گفته می‌شود: از هر کدام از درهای بهشت که می‌خواهی، داخل

شو.» در روایت ابن عمر آمده: «در زمرهٔ فقهیان ثبت می‌گردد و در گروه شهیدان محشور می‌شود.»

اما کلیهٔ حافظان حدیث در این مورد اتفاق نظر دارند که این حدیث، با وجود داشتن سندهای فراوان، ضعیف است. عالمان، خداوند از آنان خشنود باد، در این خصوص کتاب‌های بی‌شماری تألیف کرده‌اند. نخستین کسی که در این زمینه اقدام به تالیف کرده، تا حد آگاهی من، عبدالله بن مبارک است. پس از او عالم ربانی محمدبن اسلم طوسی و پس از او به ترتیب حسن بن سفیان نسائی، ابوبکر آجری، ابوبکر محمدبن ابراهیم اصفهانی، دار قطنی، حاکم، ابونعیم، ابوعبدالرحمن سُلَمی، ابوسعید مالینی، ابوعثمان صابونی، عبدالله بن محمد انصاری، ابوبکر بیهقی و کسان بی‌شمار [illegible]

با هدف دنباله‌روی از این پیشوایان بزرگوار و حافظان اسلام، برای گردآوری چهل‌حدیث استخاره کردم. ناگفته نماند که عمل به حدیث ضعیف در باب فضایل به اتفاق عالمان جایز است. با این وصف، تکیه‌گاهم این حدیث نبوده است، بلکه این جملهٔ مختصر بوده که بخشی از احادیث صحیح است:



«لِيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ مِنْكُم الغَائِبَ.»

«باید حاضران به غایبان پیامم را ابلاغ کنند.»

و نیز این فرمودهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:

«نَضَّرَ اللهُ إمْرِأً سَمِعَ مَقَالَتِی فَوَعَاهَا فَأَدَّاهَا كَمَا سَمِعَهَا.»

«خداوند کسی را شاداب کند که سخنم را شنید؛ سپس آن را به خاطر سپرد و آنگاه همان طور که آن را شنیده بود، به دیگران رساند.»

باری، برخی از عالمان در باب اصول دین، برخی دیگر در باب فروع دین، بعضی دیگر در مورد جهاد، عده‌ای دیگر در باب زهد، برخی در خصوص آداب و عده‌ای نیز در زمینهٔ خطبه‌ها، چهل حدیث گردآوری کرده‌اند. بدیهی است که کلیهٔ این موارد اهدافی نیکو و مقاصدی ارزشمند هستند. امّا من بهتر دیدم چهل حدیث در باب موضوعاتی مهم‌تر گردآوری کنم، که مشتمل بر کلیهٔ مطالب مجموعه‌های پیشین باشد. به‌گونه‌ای که هر یک از احادیث آن، قاعده‌ای از قواعد اسلام محسوب شود؛ عالمان در مورد برخی از این احادیث گفته‌اند که مدار اسلام بر آن قرار دارد، یا نصف و یا یک سوم اسلام محسوب می‌گردد و مطالبی از این قبیل.



درگردآوری این مجموعه، متعهد شده‌ام که احادیث آن صحیح باشند. بدین صورت که اکثر آن‌ها در

صحیح‌بخاری و صحیح‌مسلم قر ار دارند. این‌احادیث را بدون سند ذکر می‌کنم، تا حفظ کردن آن‌ها آسان و بهره‌برداری از آن‌ها عمومی‌تر باشد. اگر خدا بخواهد پس‌از آن بخشی‌ر ا به‌بیان نحوهٔ تلفظ برخی از واژگان پیچیده و دشوار اختصاص خواهم داد.

هر کسی که به آخرت متمایل و علاقمند است، سزاوار است این احادیث را بداند؛ چون مشتمل بر مطالب مهم و اساسی هستند و مردم را به کلیه امور عبادی متوجه ساخته‌اند این نکته برای کسی که بیندیشد و تدبر کند، کاملاً آشکار است. تکیه‌گاه و پناهگاهم خداوند است. به او خودم را واگذار کرده‌ام. سپاس به او اختصاص دارد؛ نعمت‌ها نیز از جانب او هستند و کامیابی و حفاظت و مصونیت از گناه، با مدد او امکان‌پذیر است.

یحیی بن شرف نووی



کارها به نیت‌ها بستگی دارند

«عن أميرالمؤمنين أبـى حـفص عـمر بـن الخطاب رضی‌الله‌عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وسلم يَقُوْلُ: إِنَّمَا الأعْمَالُ بِـالنِّيَّاتِ، وَ إِنَّـمَا لِكُـلِّ امْرِيءٍ مَانَوَى. فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إلى الله وَ رَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَـى اللهِ وَ رَسُـولِهِ و مـن كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنيَا يُصِيبُهَا أَوْ إمْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ».

رواه إماما المحدثين ابوعبدالله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم بن مغيرة بن بَرْدِزْبه البخاری، و ابوالحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيری النيسابوری فی صحيحيهما اللذين هما أصح الكتب المصنفة.

«از امیرالمؤمنین ابوحفص عمربن خطاب رضي الله عنه روایت است که گفت: از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم شنیدم که می‌فرمود: اعمال به نیت‌ها بستگی دارند و هرکس از عمل خود به حسب نیتش اجر و پاداش کسب می‌کند. از این رو، هرکسی که هجرت او برای خدا و پیامبر او باشد، در واقع هم هجرت او برای خدا و رسول اوست [و اجر و پاداش به او تعلق می‌گیرد]، و هرکسی که هجرتش برای دنیا باشد تا بدان دست یابد، یا بخاطر زنی باشد تا با او ازدواج کند، در واقع هم هجرتش برای همان چیزی است که به سوی آن هجرت کرده [و نتیجتاً از هرگونه اجر و پاداشی محروم خواهد شد].



روایت بخاری و مسلم

۲

بیان اسلام، ایمان و احسان

«عن عمر رضی الله عنه أیضاً قَالَ: بَیْنَمَا نَحْنُ جُلُوْسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم ذَاتَ یَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَیْنَا رَجُلٌ شَدِیْدُ بِیَاضِ الثِّیَابِ شَدِیْدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لاَیُرَی عَلَیْهِ أَثَرُ السَّفَرِ وَ لاَ یَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتّیٰ جَلَسَ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم فَأَسْنَدَ رُکْبَتَیْهِ إِلَی رُکْبَتَیْهِ، وَ وَضَعَ کَفَّیْهِ عَلَی فَخِذَیْهِ وَ قَالَ: یَا مُحَمَّدُ! أَخْبِرْنِی عَنِ الإِسْلاَمِ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم: الإسلامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لاَإِلٰهَ إِلاَّ اللهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ، وَ تُقِیْمَ الصَّلاَةَ، وَ تُؤْتِیَ الزَّکَاةَ، وَ تَصُوْمَ رَمَضَانَ، وَ تَحُجَّ الْبَیْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَیْهِ سَبِیْلاً. قَالَ: صَدَقْتَ. فَعَجِبْنَا لَهُ، یَسْأَلُهُ وَ

يُصَدِّقُهُ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِىْ عَنِ الإِيْمَانِ. قَالَ: أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ وَ تُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَ شَرِّهِ قَالَ: صَدَقْتَ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِىْ عَنِ الاِحْسَانِ. قَالَ: أَنْ تَعْبُدَ اللهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ. قَالَ: فَأَخْبِرْ نِىْ عَنِ السَّاعَةِ. قَالَ: مَا الْمَسئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِىْ عَنْ أَمَارَاتِهَا. قَالَ: أَنْ تَلِدَالأَمَةُ رَبَّتَهَا، وَ أَنْ تَرَى الحُفَاةَ العُرَاةَ العَالةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُوْنَ فِى البُنْيَانِ. ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيّاً، ثُمَّ قَالَ: يَا عُمَرُ! أَتَدْرِىْ مَن السَّائِلُ؟ قُلْتُ: أَللهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: فَإِنَّهُ جِبْرِيْلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِيْنَكُمْ.»

روواه مسلم

همچنين از حضرت عمر رضی‌الله‌عنه روايت است كه



خدا ﷺ نشسته بودیم، بناگاه مردی با لباس‌هایی بسیار سفید و موهایی بس سیاه ظاهر شد. آثار سفر در او دیده نمی‌شد [که بگوییم از جایی دور آمده].کسی از ما هم او را نمی‌شناخت [که به‌گوییم از همینجاست] تا اینکه نهایتاً کنار پیامبر خدا ﷺ نشست: زانوهایش را به زانوهای پیامبر خدا تکیه داد و دستانش را بر ران‌های آن حضرت گذاشت و سپس گفت: ای محمد، از اسلام مرا آگاه کن. رسول خدا ﷺ فرمود: اسلام این است که گواهی بدهی معبودی [راستین]جز خدا نیست و محمد، پیامبر و فرستادۀ خداست. نماز بپا بداری. زکات پرداخت کنی. ماه رمضان را روزه بگیری و اگر توانایی [مالی و جسمی] داشتی حج کعبه بگزاری.

مرد گفت: راست گفتی.

ما شگفت‌زده شدیم. چون‌هم می‌پرسد [که‌علامت ندانستن است] و سپس تصدیق می‌کند، [که نشانۀ

دانستن است].
سپس گفت: از ایمان مرا آگاه کن. پیامبر خدا فرمود: ایمان این است که به خدا، فرشتگان، کتاب‌ها[ی آسمانی] پیامبران، روز قیامت و خوب و بد تقدیر ایمان بیاوری.



مرد گفت: راست گفتی. سپس گفت: از احسان مرا آگاه کن. پیامبر خدا فرمود: احسان این است که خدا را به گونه‌ای بپرستی که گویی او را می‌بینی. اگر او را نمی‌بینی [این را بدان که] او تو را می‌بیند.
مرد گفت: از [زمانِ فرارسیدنِ] قیامت مرا آگاه کن.
پیامبر خدا فرمود: در این مورد کسی که مورد سؤال قرار گرفته از سوال کننده آگاه‌تر نیست [یعنی من از تو آگاه‌تر نیستم].
[مرد ناشناس] گفت: در مورد علایم و نشانه‌های آن مرا آگاه کن.

پیامبر فرمود: نشانه‌های قیامت عبارتند از اینکه کنیز، خدایگان خود را به دنیا بیاورد و افراد پا برهنه، عریان، فقیر و بینوا و چوپان در ساختن ساختمان بر همدیگر فخرجویی کنند.



آن شخص رفت. تا دیر زمانی من درنگ کردم. سپس رسول خدا فرمود: ای عمر، می‌دانی سؤال کننده چه کسی بود؟

گفتم: خدا و رسول او بهتر می‌دانند.

فرمود: او جبرییل بود. آمده بود تا دینتان را به شما بیاموزد.

روایت مسلم

۳

ارکان اسلام

عن أبی عبدالرحمن، عبدالله بن عمربن الخطاب ـ رضی الله عنهما ـ قَال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ يَقُوْلُ: بُنِیَ الإسْلاَمُ عَلَی خَمْسٍ: شَهٰادَةِ أَنْ لاَ إِلٰهَ إلاَّ اللهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ، وَ إقَامِ الصَّلاَةِ، وَ إيْتَاءِ الزَّکَاةِ، وَ حَجِّ الْبَيْتِ، وَ صَوْمِ رَمَضَانَ.»

روا‌ه البخاری و مسلم

از ابوعبدالرحمن، عبدالله بن عمربن خطاب ـ رضی الله عنهما ـ روایت است که گفت: از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که فرمود: بنای اسلام بر پنج چیز استوار است: (۱) گواهی دادن به اینکه معبودی [راستین] جز خدا نیست و محمد پیامبر

خداست، (۲) بر پا داشتن نـماز، (۳) پـرداخت زکـات، (۴) حــج کـعبه گـزاردن، (۵) و روزهٔ رمضان.

روایت بخاری ومسلم



۴

کارها به خاتمه‌ی خود بستگی دارند



عن أبی عبدالرحمن عبدالله بن مسعود رضی الله عنه قال: حَدَّثَنَا رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ هُوَ الصَّادِقُ المَصْدُوقُ: «اِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِيْنَ يَوْماً نُطْفَةً، ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يُرْسَلُ إِلَيْهِ المَلَكُ فَيَنْفُخُ فِيْهِ الرُّوْحَ، وَ يُؤْمَرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ: بِكَتْبِ رِزْقِهِ وَ أَجَلِهِ وَ عَمَلِهِ وَ شَقِيٌّ أَوْ سَعِيْدٌ. فَوَاللهِ الَّذِيْ لاَ إِلَهَ غَيْرُهُ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الجَنَّةِ حَتَّى مَا يَكُونَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهَا إِلاَّ ذِرَاعٌ فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الكِتَابُ فَيَعْمَلَ بِعَمِلِ أَهْلِ النَّارِ فَيَدْخُلُهَا، وَ إِنَّ أَحَدَكُمْ

بَيْنَهَا إلاَّ ذِرَاعٌ فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الكِتَابُ فَـيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا.»

رواه البخاری و مسلم



از ابوعبدالرحمن، عبدالله بن مسعود ﷺ روایت است که گفت: پیامبر خدا، که صادق و مصدوق است برای ما بیان داشت که آفرینش یک انسان [به این شکل است که] چهل روز به صورت نطفه جمع می‌شود؛ سپس به همین صورت [به مدت چهل روز] به صورت خون بسته درمی‌آید؛ آن‌گاه به همین شکل [به مدت چهل روز] تبدیل به گوشت جویده می‌شود. سپس فرشته‌ای نزد او فرستاده می‌شود. فرشته در او روح می‌دمد. آن‌گاه به او دستور داده می‌شود که چهار چیز را بنویسد: (۱) رزق و روزی او را، (۲) اجـــــل او را، (۳) اعمال او را، (۴) و اینکه بدبخت است یا خوشبخت. سوگند به ذاتی که جز او معبودی [راستین] وجود ندارد، گاه یک تن عمل بهشتیان

را انجام می‌دهد، تا اینکه بین او و بهشت جز یک ذراع، فاصلهٔ بیشتری وجود نداشته باشد، سرنوشت بر او پیشی می‌گیرد و بنابراین عمل جهنمیان را انجام می‌دهد و وارد جهنم می‌شود. و گاه یک تن عمل جهنمیان را انجام می‌دهد، تا اینکه بین او و جهنم جز یک ذراع، فاصلهٔ بیشتری نباشد، سرنوشت بر او پیشی می‌گیرد و بنابراین عمل بهشتیان را انجام می‌دهد و وارد بهشت می‌شود.



روایت بخاری و مسلم

۵

ابطال منکرات و بدعت‌ها



عن أُمِّ‌المؤمِنینَ أُمِّ عَبدِاللهِ عَائِشَةَ ـ رَضیَ‌اللهُ عَنَها ـ قَالَت: قَـالَ رَسُـولُ اللهِ ﷺ: «مَـنْ أَحدَثَ فِی أَمرِنَا هَذَا مَا لَیسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ.» رَوَاهُ البُخَارِیُّ وَ مُسْلِمٌ، وَ فِی رِوَایَةٍ لِمُسلِمٍ: «مَنْ عَمِلَ عَمَلاً لَیسَ عَلَیهِ أَمرُنَا فَهُوَ رَدٌّ.»

از ام المؤمنین ام عبدالله، عایشه ـ رضی الله عنها ـ روایت است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر کس در امر [دین] ما چیزی پدید آورد که از آن نیست، آن چیز مردود است.

روایت بخاری و مسلم

در روایتی از مسلم آمده: هرکس عملی انجام دهد که امر [دین] ما بر آن قرار ندارد، آن عمل مردود است.

۶

حلال و حرام واضح‌اند

عن أَبِی عبدالله النُعْمَان بن بشیر ـ رضی‌الله عنهما ـ قالَ: سَمِعتُ رسولَ الله ﷺ یَقُول: «إِنَّ الحلالَ بَیِّنٌ و إِنَّ الحَرَامَ بَیِّنٌ وَ بَیْنَهُما أُمُوْرٌ مُشْتَبِهَاتٌ لاَ یَعْلَمُهُنَّ کَثِیرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنِ اتَّقیٰ الشُّبُهَاتِ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِدِیْنِهِ وَ عِرْضِهِ، وَ مَنْ وَقَعَ فِی الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فی الحَرَامِ. کَالرَّاعِی یَرْعیٰ حَوْلَ الحِمیٰ یُوْشِكُ أَنْ یَرْتَعَ فِیْهِ، أَلَا وَ اِنَّ لِکُلِّ مَلِكٍ حِمیً، أَلاَ وَ إِنَّ حِمَی اللهِ مَحَارِمُهُ، أَلاَ وَ إِنَّ فی الجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلُحَتْ صَلُحَ الجَسَدُ کُلُّهُ، وَ إِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الجَسَدُ کُلُّهُ، أَلاَ وَ هِیَ القَلْبُ.»

رواه البخاری و مسلم

از ابوعبدالله، نعمان بن بشیر ـ رضی‌الله عنهما ـ روایت است که گفت: از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: بدون تردید، حلال و حرام مشخص هستند. امّا در بین آن‌ها مسایلی شبهه‌ناک وجود دارد که بسیاری از مردم آن‌ها را نمی‌دانند. بنابراین، هرکس از مسایل شبهه‌ناک بپرهیزد، مسلماً دین و آبروی خود را [از آن‌ها] پاک داشته است. ولی هرکس در امور شبهه‌ناک فرو افتد، قطعاً در حرام فرو افتاده است. درست مانند یک چوپان که پیرامون قرق چوپانی می‌کند. وی در آستانهٔ چراندنِ [رمه] در داخل قرق قرار دارد. هان! هر پادشاهی قرقی دارد و قرق خداوند محرمات هستند. هان! در تن [آدمی] پاره‌گوشتی وجود دارد که چون تندرست شود همهٔ تن تندرست خواهد شد و چون فاسد گردد، همهٔ تن فاسد خواهد شد. هان! آن پاره‌گوشت قلب است.

روایت بخاری و مسلم



دین، نصیحت و خیرخواهی است

عَن أَبی رقیة، تمیم بـن أوس الداری ؓ أن النّبیّ ﷺ قال: أَلدِّیْنُ أَلنَّصِیْحَةُ. قُـلْنَا. لِمَنْ؟ قَالَ: «لِلّٰهِ وَ لِکِتَابِهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَئِمَّةِ المُسْلِمِیْنَ وَ عَامَّتِهِمْ.» رواه مسلم

از ابو رقـیه، تـمیم بـن اوس داری ؓ روایت است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: دین، نصیحت و خیرخـواهـی است. گـفتیم: بـرای چـه کسـی؟ فـرمود: بـرای خـدا، کـتاب خـدا، پـیامبر خـدا، پیشوایان مسلمانان و تودۀ مسلمان.

روایت مسلم



حرمت انسان مسلمان

عن ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَالَ: «أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتّٰى يَشْــهَدُوْا أَنْ لاَ إِلٰـهَ إِلاَّ اللهُ وَ أَنَّ مُـحَمَّداً رَسُوْلُ اللهِ، وَ يُقِيْمُوْا الصَّلاَةَ، وَ يُؤْتُواالزَّكَاةَ، فَإِذَا فَـعَلُوْا ذٰلِكَ عَـصَمُوْا مِـنِّىْ دِمَـاءَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ إِلاَّ بِحَقِّ الإِسْلاَمِ، وَ حِسَابُهُمْ عَـلَى اللهِ تَعَالىٰ.» رواه البخاری و مسلم.

از عبدالله بن عمر ـ رضی الله عنهما ـ روایت است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: فرمان یافته‌ام تا بدان گاه با مردم بجنگم که گواهی بدهند جز خدا معبودی [راستین] وجود ندارد و محمد پیامبر خداست و نماز را برپا دارند و زکات بپردازند.

چون چنین کردند، بی‌تردید خون‌ها و اموالشان را از من حفظ کرده‌اند؛ جز به حق اسلام [که در قبال آن، خون و مالشان محفوظ نیست. چنانچه مرتکب قتل عمد و... شوند] و حساب [و کتابِ اسرارِ درون] آنان با خداوند متعال است.



روایت بخاری ومسلم

۹

مسئولیت به اندازهٔ توانایی

عن أبی هریرة، عبدالرحمن بن صخرٍ رضی الله عنه قال: سِمَعْتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَقُوْلُ: «مَا نَهَیْتُکُمْ عَنْهُ فَاجْتَنِبُوْهُ، وَ مَا أَمَرْتُکُمْ بِهِ فَأْتُوْا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِکُمْ کَثْرَةُ مَسَائِلِهِمْ وَ اخْتِلاَفُهُمْ عَلیٰ أَنْبِیَائِهِمْ.»

رواه البخاری و مسلم

از ابوهُرَیْره، عبدالرحمن بن صخر رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: از آنچه شما را باز داشته‌ام، بپرهیزید و آنچه را که شما را بدان فرمان داده‌ام، در حد توان خود انجام دهید؛ زیرا کسانی را که پیش از شما بودند، پرسش های بی‌شمارشان و اختلاف آنان نسبت به پیامبرانشان، تباه ساخت. **روایت بخاری و مسلم**

۱۰

قناعت به چیزهای حلال وگوارا



عــن أبــی هُــرَیْرَةَ (رضی الله عنه) قـال: قَـالَ رَسُـولُ اللهِ (صلی الله علیه و آله وسلم): «إِنَّ اللهَ طَیِّبٌ لا یَقْبَلُ إلاَّ طَیِّباً، وَ إِنَّ اللهَ أَمَرَالمُؤْمِنِیْنَ بِمَا أَمَرَ بِـهِ المُـرْسَلِیْنَ فَقَالَ تَـعَالیٰ: ﴿یَـا أَیُّـهَا الرُّسُـلُ کُـلُوْا مِـنَ الطَّیِّبَاتِ وَاعْمَلُوْا صَـالِحاً﴾ و قـالَ تَـعَالی: ﴿یَا أَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوْا کُلُوْا مِنْ طَـیِّبَاتِ مَـا رَزَقْنَاکُمْ.﴾ ثُمَّ ذَکَرَ الرَّجُـلَ یُـطِیْلُ السَّـفَرَ، أَشْعَثَ أَغْبَرَ، یَمُدُّ یَدَیْهِ إِلیٰ السَّمَاءِ: یَا رَبُّ یَا رَبُّ، وَ مَطْعَمُهُ حَرَامٌ، و مَشْرَبُهُ حَرَامٌ، وَ مَـلْبَسُهُ حَـرَامٌ، وَ غُـذِیَ بِـالْحَرَامِ، فَأَنَّـی یُسْتَجَابُ لَهُ.»

رواه مسلم

خدا ﷺ فرمود: بی‌تردید خداوند پاک و پاکیزه است و جز پاک و پاکیزه، چیز دیگری را نمی‌پذیرد. خداوند مؤمنان را درست به همان چیزی دستور داده که پیامبران را بدان دستور داده است. خداوند متعال فرموده است: «ای پیامبران، از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید.»[۱] و باز فرموده: «ای مؤمنان، از چیزهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید.»[۲] سپس پیامبر کسی را یادآور شد که سفر خود را طولانی می‌کند؛ دارای موهایی ژولیده و چهره‌ای غبارآلود است. دستانش را به سوی آسمان دراز می‌کند [و می‌گوید] : ای پروردگار! ای پروردگار! امّا در همان حال خوراکش، آشامیدنی‌اش و پوشاکش حرام است و به طور کلی از راه حرام تغذیه شده است. بنابراین چگونه دعای چنین کسی پذیرفته می‌شود. روایت مسلم

۱- المؤمنون: ۵۱. ۲- البقره: ۱۷.

١١

پرهیز از امور شبهه‌ناک

عن أبی محمد الحسن بن علی بن أبی‌طالب سِبْطِ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ رَیْحَانَتِهِ رضی الله عنهما، قال: «حَفِظْتُ مِنْ رسول الله ﷺ دَعْ مَایَرِیْبُكَ إِلیٰ مَا لاَ یَرِیْبُكَ.»

روٰاه الترمذی و النسائی و قال الترمذی: حدیثٌ حسنٌ صحیحٌ.

از ابومحمد، حسن فرزند علی بن ابی طالب، نوه و ریحانهٔ رسول خدا ﷺ روایت است که گفت: این نکته را از پیامبر خدا ﷺ به خاطر دارم که آنچه را که تو را در شک و تردید می‌اندازد، رها کن و به آن چیز بپرداز که تو را در شک و تردید نمی‌اندازد.

۱۲

رهاکردن چیزهای بیهوده

عــن أبـی هُـرَیرة ﷺ قَـالَ: قَـالَ رَسُـولُ اللهِ ﷺ: «مِنْ حُسْنِ إِسْلاَمِ الْمَرْءِ تَرْکُهُ مَا لاَ یَعْنِیْهِ.»

حدیثٌ حسنٌ رواه الترمذی و غیره هکذا.

از ابوهریرة ﷺ روایت است که گـفت: پـیامبر خدا ﷺ فرمود: فرو نهادنِ چیزهای بـیهوده، [نشانهٔ] کمال مسلمانی فرد است.

روایت ترمذی و دیگران

١٣

کمال ایمان



عن أبی حمزة، أنس بن مـالك رضي الله عنه خَـادِمِ رَسُولِ الله صلى الله عليه وآله وسلم عَنِ النَّبِیِّ صلى الله عليه وآله وسلم قَـالَ: «لاَ يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيْهِ مَـا يُـحِبُّ لِنَفْسِهِ.» رواه البخاری و مسلم

از ابوحمزه انس بن مالك، خدمتكار پيامبر خدا، روايت است كه پيامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: هيچ يك از شما مؤمن [كامل] نيست، تا آنچه راكه براى خود دوست مى‌دارد [و مى‌پسندد] براى برادرش نـيز دوست داشته باشد [و بپسندد].

روايت بخارى و مسلم

۱۴

حرمت خون مسلمان

عن ابن مسعود ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: لاَ يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلاَّ بِإِحْدىٰ ثَلاَثٍ: الثَّيِّبُ الزَّانِي، وَ النَّفْسُ بِالنَّفْسِ، وَ التَّارِكُ لِدِيْنِهِ المُفَارِقُ لِلْجَمَاعَةِ.»

رواه البخاري و مسلم

از ابن مسعود ﷺ روایت است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: ریختن خون هیچ انسان مسلمانی روا نیست، مگر به یکی از سه سبب: آدم همسرداری که مرتکب زنا بشود.کسی که فردی را بکشد، در مقابل آن کشته می‌شود وکسی که دین خود را رهاکند و از جماعت مسلمانان جدا شود.

روایت بخاری و مسلم

١٥

آداب اخلاقی و اجتماعی

عن أَبی هــریرة (رضی الله عنه) أَنَّ رَسُــولَ اللهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) قَالَ: «مَنْ كَانَ يُـؤْمِنُ بِـاللهِ وَالْـيَوْمِ الْآخِـرِ، فَلْيَقُلْ خَيْراً أَوْ لِيَصْمُتْ، وَ مَنْ كَـانَ يُـؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جارَهُ، وَ مَنْ كَـانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِم ضَيْفَهُ.»

رواه البخاری و مسلم

از ابـــوهُرَیْره (رضی الله عنه) روایت است کـــه پـیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید گفتار نیك بگوید یا ساکت شود و کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید همسایه‌اش را گرامی بدارد و کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید میهمانش را عزیز و گرامی بدارد.

۱۶



پرهیز از خشم

عــن أبــي هــريرة رضي الله عنه أنَّ رَجُــلاً قَـالَ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم : أَوْصِنِيْ، قال: «لاَ تَـغْضَبْ.» فَرَدَّدَ مِرَاراً، قال: «لاَ تَغْضَبْ.»

روواه البخاری

از ابــوهُرَيْرَه رضي الله عنه روایت است کــه مــردی بــه پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم گفت: مرا توصیه کن. پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: خشم مگیر. آن مرد چندین بار خواستهٔ خود را بازگفت. پیامبر فرمود: خشم مگیر.

روایت بخاری

١٧

رفتار انسانی

عن أبی یَعْلَی شَدَّادِ بْنِ أَوْس ﷺ عَنْ رَسُوْلِ‌اللهِ ﷺ قال: «إِنَّ اللهَ کَتَبَ الاِحْسَانَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا القِتْلَةَ، وَ إِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذِّبْحَةَ، وَلْیُحِدَّ أَحَدُکُمْ شَفْرَتَهُ وَلْیُرِحْ ذَبِیْحَتَهُ.» رواه مسلم

از ابویَعْلَی شدّاد بن اَوس ﷺ روایت است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: خداوند درست انجام دادن هر کاری را لازم شمرده است. بنابراین هرگاه کشتید، به درستی بکشید و هرگاه حیوانی را سر بریدید، به درستی سر ببرید. باید کاردتان را تیز کنید و حیوان در حال ذبح را آسوده گردانید.

روایت مسلم

۱۸



خوش اخلاقی

عن أبی‌ذرّ، جُندُب بن جُنادة، و أبی عبدالرحمن، مُعَاذبن جَبَل ـ رضی‌الله عنهما ـ عَنْ رَسُولِ‌اللهِ ﷺ قَالَ: «إِتَّقِ اللهَ حَيْثُمَا كُنْتَ، وَ أَتْبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمْحُهَا، وَ خَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ.» رواه الترمذی و قال: حديث حسن، و فی بعض النسخ: حسن صحيح.

از ابوذر، جُندُب بن جُناده، و ابوعبدالرحمن، مُعاذبن جَبَل ـ رضی الله عنهما ـ روايت است که پيامبر خدا ﷺ فرمود: هر کجا بودی از خدا بترس و پس از انجام کار بد، کار خوب انجام بده؛ چراکه [خوبی، بدی را] محو و نابود می‌کند و با مردم با اخلاق خوب رفتار کن. **روايت ترمذی**

۱۹

خدا را بیاد داشته باش

عن أبی العباس، عبدالله بن عباس ـ رضی الله عنهما ـ قال: كُنْتُ خَـلْفَ النَّـبِیِّ ﷺ يَوْماً فقال: «يَا غُلاَمُ! إِنِّیْ أُعَلِّمُكَ كَـلِمَاتٍ: إِحْفَظِ اللهَ يَحْفَظْكَ، إِحْفَظِ اللهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ. إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللهَ، وَ إِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ الأُمَّةَ لَواجْـتَمَعَتْ عَـلىٰ أَنْ يَنْفَعُوْكَ بِشَیْءٍ لَمْ يَنْفَعُوْكَ إِلاَّ بِشَیءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللهُ لَكَ، وَ إِنِ اجْـتَمَعُوْا عَـلىٰ أَنْ يَـضُرُّوْكَ بِشَیءٍ لَمْ يَضُرُّوْكَ إِلاَّ بِشَیءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللهُ لَكَ، رُفِعَتِ الأَقْلاَمُ وَ جُفَّتِ الصُّحُفُ.»

رواه الترمذی و قال: حَدِيْثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ

أَمَامَكَ، تَعَرَّفْ إِلَى اللهِ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفْكَ فِي الشِّدَّةِ، وَاعْلَمْ أَنَّ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ، وَ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، وَ أَنَّ الْفَرَجَ مَعَ الْكَرْبِ، وَ أَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً.»

از ابوالعباس عبدالله بن عباس ـ رضی الله عنهما ـ روایت است که گفت: روزی پشت سر پیامبر ﷺ سوار بودم. [به من] فرمود: ای پسر، من چند نکته به تو می‌آموزم: [حدود، فرایض و...] خدا را پاس دار، خدا نیز تو را پاس می‌دارد. [حدود، فرایض و...] خدا را پاس دار، او را روبه‌روی خود [و همراه خویش] می‌بینی. هرگاه خواسته‌ای داشتی از خدا بخواه و هر گاه کمک و یاری خواستی از خداوند کمک و یاری بخواه و بدان که اگر همهٔ امت جمع شوند تا به تو سود برسانند، جز آنچه خداوند برای تو نوشته،

فایدهٔ دیگری به تو نمی‌رسانند و اگر جمع شوند تا به تو زیانی برسانند، جز آنچه خداوند برای تو نوشته، زیان دیگری به تو نمی‌رسانند. قلم‌ها برداشته شده‌اند و نامه‌ها خشک شده‌اند.

این قسمت را ترمذی روایت کرده و گفته است: حدیث، حسن صحیح است.



در روایت دیگران آمده: [حدود، فرایض و...] خدا را پاس دار، او را روبه‌روی خود [و همراه خویش] می‌بینی. در زمان آسایش و رفاه، خودت را به خداوند بشناسان، در زمان سختی و تنگی، تو را می‌شناسد و بدان آنچه از تو به خطا رفته، امکان نداشته به تو اصابت کند و آنچه به تو رسیده امکان نداشته به تو نرسد و بدان که پیروزی، همراه با شکیبایی است؛گشایش همراه با دشواری است و همراه با دشواری، آسانی است.

۲۰



حیا بخشی از ایمان است

عن ابی مسعود عُقَبَة بن عمرو الأنصاری البدری ﷺ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله ﷺ: «إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلاَمِ النُّبُوَّةِ الأُولَى: إِذَا لَمْ تَسْتَحِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ».

رواه البخاری

از ابومسعود، عُقبَه بن عمرو انصاری بدری ﷺ روایت است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: از جمله آنچه مردم از سخنان پیامبران پیشین دریافته‌اند اینکه: هرگاه شرم نداشتی، هر چه خواهی بکن.

روایت بخاری

۲۱

ایمان و استقامت



عَن أَبِی عمرو، و قیل أبی عَمْرَةَ، سفیان بن عبدالله ﷺ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ! قُلْ لِیْ فِی الإِسْلاَمِ قَوْلاً لاَ أَسْأَلُ عَنْهُ أَحَداً غَيْرَكَ. قال: «قُلْ آمَنْتُ بِاللهِ. ثُمَّ اسْتَقِمْ.»

روواه مسلم

از ابوعمرو، و گفته شده ابوعمرة، سفیان بن عبدالله ﷺ روایت است که گفت: گفتم: ای پیامبر خدا، در خصوص اسلام به من چنان سخنی بگو که در مورد آن از هیچ کسی جز تو نپرسم. پیامبر فرمود: بگو به خدا ایمان آوردم و آنگاه استقامت و پایداری بورز.

روایت مسلم

۲۲

با انجام فرایض،
آدمی وارد بهشت می‌شود



عن أَبی عبدالله جابربن عبدالله الانـصاری ـ رضی‌الله عنهما ـ أَنَّ رَجُـلاً سَأَلَ رَسُـوْلَ اللهِ، فَقَالَ: «أَرَأَيْتَ إِذَا صَلَّيْتُ المَكْتُوْبَاتِ، وَ صُمْتُ رَمَضَانَ، وَ أَحْلَلْتُ الْحَلالَ، وَ حَرَّمْتُ الْحَرَامَ، وَ لَمْ أَزِدْ عَلَى ذٰلِكَ شَـيْئاً، أَأَدْخُـلُ الْجَنَّةَ؟ قَـالَ: نَـعَمْ.» رَواه مُسْلِمٌ. و مَـعْنَى حَرَّمْتُ الْحَرَامَ: إِجْـتَنَبْتُهُ، و مَـعْنَى أَحْـلَلْتُ الْحَلاَلَ: فَعَلْتُهُ مُعْتَقِداً حِلَّهُ. رَوَاه مسلم

از ابوعبدالله، جابربن عبدالله انصاری ـ رضی الله عنهما ـ روایت است که کسی از پیامبر خدا ﷺ پرسید: ای رسول خدا، مرا خبر بده

که هرگاه نمازهای فرض را بگزارم، ماه رمضان را روزه بگیرم، حلال را حلال و حرام را حرام بدانم و بر این، چیزی نیفزایم، آیا داخل بهشت می‌شوم؟ پیامبر فرمود: آری. **روایت مسلم**



معنای حرام دانستن حرام این است که از آن پرهیز کنم و معنای حلال دانستن حلال نیز از این قرار است که با اعتقاد به حلال بودنش، به انجام آن مبادرت بورزم.

۲۳

شتاب کردن در کار خیر

عـن أبـی مـالكٍ الحـارث بـن عـاصم الأشعری ﷺ، قَالَ: قَالَ رَسُـوْلُ الله ﷺ: «أَلطَّهُوْرُ شَطْرُ الإِيْـمٰانِ، وَالْـحَمْدُ لِلّٰهِ تَـمْلَأُ المِيْزَانَ، وَ سُبْحَانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ تَمْلَآنِ ـ أَوْ تَـمْلَأُ ـ مَا بَـيْنَ السَّـمَاءِ وَ الأَرْضِ، وَ الصَّلاٰةُ نُـوْرٌ، وَ الصَّـدَقَةُ بُـرْهٰانٌ، وَ الصَّـبْرُ ضِيَاءٌ وَ القـرآن حُـجَّةٌ لَكَ أَوْ عَـلَيْكَ. كُـلُّ النَّاسِ يَغدُو فَبَائِعٌ نَفْسَهُ فَمُعْتِقُهَا أَو مُوْبِقُهَا.»

رَوَاهُ مُسْلِمٌ

از ابـومالک، حـارث بـن عـاصم اشـعری ﷺ روایت است کـه پـیامبر خـدا ﷺ فـرمود: پاکیزگی، نصف ایمان است و الحمدلله (ستایش

خداوند) ترازوی [حسنات] را پر می‌کند و «سبحان الله» و «الحمدلله» میان آسمان و زمین را پر می‌کند. نماز، نور و روشنایی است. صدقه دادن دلیل [صحت ایمان داری] است. شکیبایی، فروغ و پرتو [ایمان] است. و قرآن مدرکی است به سود تو یا به زیان تو. همه مردم بامدادان [به‌کوشش] برمی‌خیزند و [در نهایت] خود را می‌فروشند [و بدین‌سان] یا [با فروختن خود به خدا] خود را آزاد می‌کنند یا [با فروختن خود به شیطان و امیال و هوس‌های نفسانی] به هلاکت می‌افکنند.



روایت مسلم

۲۴

ناروا بودن ظلم



عن أبی ذرٍّ الغِفاریّ رضی الله عنه عن النَّـبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم فیما یَرْوِیْهِ عَنْ رَّبِّهِ، عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّهُ قَالَ: «یَا عِبَادِیْ، إِنِّیْ حَرَّمْتُ الظُّـلْمَ عَـلیٰ نَـفْسِیْ وَ جَعَلْتُهُ بَیْنَکُمْ مُحَرَّماً، فَلَا تَظَالَمُوْا. یَا عِبَادِیْ، کُلُّکُمْ ضَـالٌّ إِلاَّ مَـنْ هَـدَیْتُهُ، فَـاسْتَهْدُوْنِیْ أَهْـدِکُمْ. یَـا عِـبَادِیْ، کُـلُّکُمْ جَـائِعٌ إِلاَّ مَـنْ أَطْعَمْتُهُ فَاسْتَطْعِمُوْنِیْ أُطْعِمْکُمْ. یَا عِـبَادِیْ، کُلُّکُمْ عَـارٍ إِلاَّ مَـنْ کَسَـوْتُهُ فَـاسْتَکْسُوْنِیْ أَکْسِکُمْ. یَاَ عِبَادِیْ، إِنَّکُمْ تُخْطِئُونَ بِاللَّیْلِ وَ النَّـــهَارِ، وَ أَنَـــا أَغْــفِرُ الذُّنُــوبَ جَـمِیْعاً. فَاسْتَغْفِرُونِیْ أَغْفِرْلَکُمْ.

يَا عِبَادِيْ، إِنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوا ضُرِّي فَتَضُرُّونِي، وَ لَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُوْنِي، يَا عِبَادِي، لَو أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَ آخِرَكُمْ وَ إِنْسَكُمْ وَ جِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى أَتْقَىٰ قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ، مَازَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئاً. يَا عِبَادِيْ، لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَ آخِرَكُمْ وَ إِنْسَكُمْ وَ جِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى أَفْجَرِ قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ، مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِيْ شيئاً.



يَا عِبَادِيْ، لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَ آخِرَكُمْ و إِنْسَكُمْ وَ جِنَّكُمْ قَامُوْا فِيْ صَعِيْدٍ وَاحِدٍ فَسَأَلُوْنِي فَأَعْطَيْتُ كُلَّ وَاحِدٍ مَسْأَلَتَهُ، مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي إِلاَّ كَمَا يَنْقُصُ المِخْيَطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ.

يَا عِبَادِيْ، إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أُحْصِيْهَا لَكُمْ، ثُمَّ أُوَفِّيْكُمْ إِيَّاهَا. فَمَنْ وَجَدَ خَيْراً فَلْيَحْمَد

اللهَ، وَ مَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلاَ يَلُوْمَنَّ إلاَّ نَفْسَهُ.» رَوَاهُ مُسْلِمٌ



ابوذر غفاری ﷺ از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که خداوند عزوجل فرموده است: ای بندگان من، من ظلم کردن را بر خودم حرام کرده‌ام و آن را میان شما هم حرام قرار داده‌ام. بنابراین، بر همدیگر ظلم مکنید. ای بندگان من، همگی‌تان گمراهید، مگر کسی که من او را هدایت کرده‌ام؛ بنابراین از من راهنمایی بخواهید، تا شما را هدایت کنم. ای بندگان من، همگی‌تان گرسنه‌اید، مگر کسی که من او را خوراک داده‌ام؛ بنابراین، از من خوراک بخواهید، تا شما را خوراک دهم. ای بندگان من، همگی‌تان برهنه‌اید، مگر کسی که من او را پوشانده‌ام؛ پس از من پوشاک بخواهید، تا شما را بپوشانم. ای بندگان من، شما شبانه روز مرتکب گناه می‌شوید [و در این میان] من همهٔ گناهان را می‌بخشم؛ بنابراین، از

من آمرزش بخواهید، تا شما را بیامرزم.
ای بندگان من، بی‌گمان شما نمی‌توانید به من زیان برسانید. همچنین شما هرگز نمی‌توانید به من سود برسانید.
ای بندگان من، اگر از نخستین تا آخرین فردتان و انسان‌ها و جن‌هایتان، دارای پرهیزگارترین قلب بودند، این مسئله در ملک من چیزی نمی‌افزود.



ای بندگان من، اگر از نخستین تا آخرین فردتان و انسان‌ها و جن‌هایتان، دارای فاجرترین و ناپاک‌ترین قلب بودند، [باز هم] این قضیه از ملک من چیزی نمی‌کاست.
ای بندگان من، اگر از نخستین تا آخرین فردتان و انسان‌ها و جن‌هایتان در یک میدان بایستند و از من خواهش کنند و من به هر یک آنچه را می‌خواهد بدهم، این دادن از آنچه نزد من است چیزی نمی‌کاهد، مگر آن مقدار که چون یک سوزن در دریا فرو برده شود، از دریا می‌کاهد. ای

بندگان من، بی‌تردید این اعمال شما هستند که برایتان آن‌ها را می‌شمارم [و ثبت می‌کنم] و سپس به طور کامل آن‌ها را به شما می‌دهم. بنابراین، کسی که عمل خیر یافت، باید خداوند را ستایش کند و کسی که جز این چیز دیگری یافت، جز خودکسی دیگر را سرزنش نکند.



روایت مسلم

٢٥

راههای صدقه



عن أبی ذَرٍّ رضی الله عنه ایضاً أَنَّ نَاساً مِنْ أَصْحَابِ رَسُـــولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَـالُوا لِـلنَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم یَـا رَسُـولَ اللهِ، ذَهَبَ أَهْـلُ الدُّثُـورِ بِـالأُجُوْرِ، یُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّیْ وَ یَصُوْمُوْنَ كَمَا نَصُوْمُ، وَ یَتَصَدَّقُوْنَ بِفُضُولِ أَمْوَالِهِمْ. قَالَ: «أَوَ لَـیْسَ قَدْ جَعَلَ اللهُ لَكُمْ مَا تَصَدَّقُوْنَ؟ إِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ تَسْبِیْحَةٍ صَدَقَةً، وَ كُلِّ تَكْبِیْرَةٍ صَدَقَةً، وَ كُلِّ تَحْمِیْدَةٍ صَدَقَةً، وَ كُلِّ تَهْلِیْلَةٍ صَدَقَةً، وَ أَمْرٍ بِالمَعْرُوْفِ صَدَقَةً، وَ نَهْیٍ عَنْ مُنْكَرٍ صَدَقَةً، وَ فِیْ بُضْعِ أَحَدِكُمْ صَدَقَةً»، قَالُوْا: یَا رَسُولَ اللهِ، أَیَأْتِیْ أَحَدُنَا شَهْوَتَهُ وَ یَكُونُ لَـهُ فِـیْهَا أَجْرٌ؟



قَالَ: «أَرَأَيْتُمْ، لَوْ وَضَعَهَا فِيْ حَرَامٍ أَكَانَ عَلَيْهِ وِزْرٌ؟ فَكَذٰلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ لَهُ اَجْرٌ.» رَوَاهُ مُسْلِمٌ

همچنین از ابوذر رضي الله عنه روایت است که گروهی از اصحاب پیامبر خدا صلى الله عليه وآله وسلم به آن حضرت گفتند: ای پیامبر خدا، ثروتمندان همهٔ پاداش‌ها را بردند: درست همان گونه که ما نماز می‌گزاریم، آنان نیز می‌گزارند، آن‌طور که ما روزه می‌گیریم، آنان هم روزه می‌گیرند [و افزون بر آن] مازاد ثروت خود را صدقه می‌کنند.

پیامبر فرمود: مگر نه این است که خداوند برای شما هم چیزهایی برای صدقه دادن مقرر داشته است؟ هر «سبحان الله» گفتن، هر «الله‌اکبر» گفتن، هر «الحمدلله» گفتن و هر «لااله‌الاالله» گفتن شما صدقه‌ای است. همچنین امر به معروف، نهی از منکر و مقاربت با همسر، صدقه‌ای است.

اصحاب گفتند: ای پیامبر خدا، آیا کسی که شهوت



خود را برآورده می‌کند، در مقابل به او پـاداش تعلق می‌گیرد؟

پیامبر فرمود: به من بگویید اگر شهوت خود را از طریق حرام اشباع می‌کرد، آیا او گنهکار می‌شد؟ همچنین اگر از طریق حلال آن را اشباع کند، به او پاداش تعلق می‌گیرد.

روایت مسلم

٢٦

برقراری صلح بین مردم و فضیلت کارهای خوب



عــن أبـی هـریرة رضی الله عنه قـال: قـال رسـولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم: «کُلُّ سُلاَمیٰ مِنَ النَّـاسِ عَـلَیْهِ صَدَقَةٌ، کُلّ یَوْم تَطْلُعُ فِیْهِ الشَّـمْسُ: تَـعْدِلُ بَیْنَ اثْنَیْنِ صَدَقَةٌ، وَ تُعِیْنُ الرَّجُلَ فِی دَابَّـتِهِ فَتَحْمِلُهُ عَـلَیْهَا أَوْ تَـرْفَعُ لَـهُ عَـلَیْهَا مَـتَاعَهُ صَدَقَةٌ، وَ الْکَـلِمَةُ الطَّـیِّبَةُ صَـدَقَةٌ، وَ بِکُـلِّ خُطْوَةٍ تَمْشِیْهَا إِلَی الصَّلاَةِ صَدَقَةٌ، وَ تُـمِیْطُ الأَذَی عَنِ الطَّرِیْقِ صَدَقَةٌ.»

رَوَاهُ الْبُخَارِیُّ و مُسْلِمٌ

از ابـــوهُرَیْرَة رضی الله عنه روایت است کــه پـیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر روز که خورشید طلوع

می‌کند بر هر عضوی از اعضای انسان، صدقه‌ای است. تو بین دو تن اصلاح می‌کنی، صدقه‌ای است. به کسی کمک می‌کنی و او را یاکالایش را بر مرکب می‌گذاری، صدقه‌ای است. سخن پاک و زیبا، صدقه‌ای است. هر گامی که برای نماز برمی‌داری، صدقه‌ای است و پاک کردن پلیدی از راه، صدقه‌ای است.



روایت بخاری و مسلم

٢٧

نشانه‌های نیکی و گناه

عن النَّوّاسِ بن سَمْعَانٍ رضی الله عنه عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه وآله وسلم قال: «أَلْبِرُّ حُسْنُ الخُلُق، وَ الإِثْمُ مَا حَاكَ فِی نَفْسِكَ وَ كَرِهْتَ أَنْ يَّطَّلِعَ عَلَيْهِ النَّاسُ.»

روواه مسلم

از نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: نیکوکاری عبارت از خوش اخلاقی است و گناه آن است که در دل شك و تردید ایجاد کند و تو دوست نداشته باشی که مردم از آن آگاه شوند. روایت مسلم

و عن وَابِصَةِبْنِ مَعْبَدٍ رضی الله عنه قَالَ: أَتَيْتُ رَسُوْلَ‌اللهِ صلی الله علیه وآله وسلم فَقَالَ: جِئْتَ تَسْأَلُ عَنِ البِرِّ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: «إِسْتَفْتِ قَلْبَكَ. أَلْبِرُّ مَا

اطْمَأَنَّتْ إِلَيْهِ النَّفْسُ وَ اطْمَأَنَّ إِلَيْهِ الْقَلْبُ. وَ الاِثْمُ مَا حَاكَ فِي النَّفْسِ و تَرَدَّدَ فِي الصَّدْرِ، وَ إِنْ أَفْتَاكَ النَّاسُ وَ أَفْتُوْكَ.» حدِيْثٌ حَسَنٌ رَوَيْنَاهُ فِي مُسْنَدَى الإِمَامَيْنِ أَحمد بن حنبل و الدَّارمى بِإِسْنَادٍ حَسَنٍ.



از وابصه بن معبد نقل است که گفت: نزد پیامبر خدا ﷺ آمدم. فرمود: آمده‌ای تا در مورد نیکوکاری پرسش کنی؟ گفتم: آری. فرمود: از دلت بپرس. نیکی آن است که روح و دل با آن آرام گیرد و گناه آن است که در دل تردید ایجاد کند و در سینه بی‌ثباتی پدید آورد. هر چند مردم [بر خلاف احساس درونی‌ات] تو را فتوا دهند [طبق آن فتوا عمل مکن].

مسند امام احمد بن حنبل و دارمی.

٢٨

پایبندی به سنت

عن أبی نجیح العِرْباض بن ساریةَ رضی الله عنه قال:
وَعَظَنَا رَسُولُ الله صلی الله علیه و آله و سلم مَوْعِظَةً وَجِلَتْ مِنْهَا القُلُوْبُ، وَ ذَرِفَتْ مِنْهَا العُيُونُ. فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللهِ، كَأَنَّهَا مَوعِظَةُ مُوَدِّعٍ فَأَوْصِنَا. قَال: «أُوصِيْكُمْ بِتَقْوَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ السَّمْعِ وَ الطَّاعَةِ، وَ إِنْ تَأَمَّرَ عَلَيكُمْ عَبْدٌ، فَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ فَسَيَرى إِخْتِلاَفاً كَثِيْراً، فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِيْ وَ سُنَّةِ الخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ المَهْدِيِّيْنَ، عَضُّوا عَلَيهَا بِالنَّوَاجِذِ، وَ إِيَّاكُمْ وَ مُحْدَثَاتِ الأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ بِدْعَةٍ ضَلاَلَةٌ.» رواه ابوداود و الترمذی و قال:

حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ



از ابونجیح، عِرباض بن ساریه ﵁ روایت است که گفت: پیامبر خدا ﷺ چنان موعظه‌ای کرد که از آن دلها را ترس برداشت و از چشم‌ها اشک ریخت. ما گفتیم: ای پیامبر خدا، گویی این پند گفتن، نوعی خداحافظی است. پس ما را سفارش کن.

فرمود: شما را به ترس از خداوند عزوجل و فرمانبرداری، سفارش می‌کنم؛ هر چند یک برده بر شما حکومت می‌کرد. زیراکسی از شما که [پس از من] زندگی کند، اختلافات فراوانی مشاهده خواهد کرد. پس سنت من و سنت و راه خلفای راشدین هدایت یافته را بر خود لازم گیرید [بر آن شکیبایی ورزید] و با بن‌دندان آن را محکم بگیرید و سخت از امور تازه بپرهیزید؛ چراکه هر امر تازه‌ای بدعت است و هر بدعتی، گمراهی.

روایت ابوداود و ترمذی

۲۹

اعمالی برای ورود به بهشت



عـــن مُـــعاذبن جَـبَلٍ ﵁ قَـالَ: قُـلْتُ: يَـا رَسُولَ‌اللهِ، أَخْبِرْنِی بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِی الجَـنَّةَ وَ يُبَاعِدُنِی عَنِ النَّارِ.

قَالَ: «لقد سَأَلْتَ عَنْ عَظِيمٍ، وَ إِنّـه لَـيَسِيْرٌ عَلَی من يَسَّرَهُ اللهُ تَعَالَی عليه: تَـعْبُدُ اللهَ لاَ تُشْرِكُ به شَيْئاً، وَ تُـقِيْمُ الصَّـلاَةَ، وَ تُـؤْتِی الزَّكَاةَ، وَ تَصُومُ رَمَضَانَ، وَ تَحُجُّ البَيْتَ.»

ثُمَّ قـال: «أَلاَ أَدُلُّكَ عَـلَی أَبْـوَابِ الخَـيْرِ؟ أَلصَّومُ جُنَّةٌ، وَ الصَّدَقَةُ تُطْفِیءُ الخَطِيْئَةَ كَما يُطْفِیءُ المَاءُ النَّارَ، وَ صَلاَةُ الرَّجُلِ فِی جَوْفِ اللَّـيْلِ، ثُـمَّ تَـلاَ: ﴿تَـتَجَافَی جُـنُوبُهُمْ عَـنِ المَضَاجِعِ... حَتَّی بَلَغَ: يَعْمَلُونَ.﴾

ثُمَّ قَالَ: «أَلاَ أُخْبِرُكَ بِرَأْسِ الأَمرِ وَ عَمُودِهِ وَ ذَرْوَةِ سَنَامِهِ؟» قُلتُ: بَلَى، يَا رَسُولَ اللهِ، قَالَ: «رَأْسُ الأمْرِ الإِسْلاَمُ وَ عَمُودُهُ الصَّلاَةُ وَ ذَرْوَةُ سَنَامِهِ الجِهَادُ.» ثُمَّ قَالَ: «أَلاَ أُخْبِرُكَ بِمِلاَكِ ذَلِكَ كُلِّهِ؟» قُلْتُ: بَلَى، يَا رَسُولَ اللهِ، فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ وَ قَالَ: «كُفَّ عَلَيْكَ هٰذَا». قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللهِ، وَ إِنَّا لَمُؤَاخَذُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ؟ فَقَالَ: «ثَكِلَتْكَ أُمُّكَ. وَ هَلْ يَكُبُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ـ أَوْ قَالَ: مَنَاخِرِهِمْ ـ إِلاَّ حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ.»

رواه الترمذی و قال: حَدِيْثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ

از مُعاذبن جَبَل رضی الله عنه روایت است که گفت: گفتم: ای پیامبر خدا، مرا در مورد عملی خبر ده که سبب دخول من به بهشت و دوری من از آتش جهنم شود.

فرمود: بدون تردید در مورد امر بزرگی پرسیدی. البته بر کسی که خداوند متعال آن را آسان کند، آسان است. [آن عمل این است که] : خدا را بپرستی و به او شرک نورزی، نماز بپا بداری، زکات پرداخت کنی، در ماه رمضان روزه بگیری و حج کعبه بگزاری.

سپس فرمود: آیا تو را به درهای خیر راهنمایی نکنم؟ روزه سپری [در برابر گناه و آتش دوزخ] است و درست همان گونه که آب، آتش را خاموش می‌کند، صدقه نیز گناه را خاموش می‌کند. نمازگزاردن شخص در دل شب. سپس پیامبر این آیه را تلاوت کرد: ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ... تا... يَعْمَلُونَ.﴾[1]

۱- مقصود آیات ۱۶ و ۱۷ سورهٔ سجده است. ترجمه‌ی آیات از این قرار است: «[شبانگاهان] پهلوهایشان از خوابگاهها جدا می‌شود. پروردگارشان

آنگاه فرمود: آیا تو را به رأس و پایه و اوج امور آگاه نکنم؟ گفتم: بلی، ای پیامبر خدا. فرمود: سرآمد امور، اسلام، ستون آن نماز و بالاترین قمست کوهان [یعنی اوج] آن، جهاد است. سپس فرمود: آیا تو را نسبت به قوام و اساس همهٔ این‌ها آگاه نسازم؟ گفتم: آری، ای پیامبر خدا.



آنگاه پیامبر ﷺ زبان خود را گرفت و فرمود: بر تو باد نگهداشتن این. گفتم: ای پیامبر خدا، آیا ما در قبال آنچه می‌گوییم، مورد بازخواست قرار می‌گیریم؟ فرمود: مادرت به عزایت بنشیند! آیا چیز دیگری جز درو شدهٔ زبان‌ها، مردم را بر چهره به آتش می‌اندازد؟!

روایت ترمذی

را از روی بیم و امید می‌خوانند و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند. هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه

۳۰

حقوق خداوند



عــن أبِــی ثَـعلبة الخُشَـنی، جُـرثوم بـن ناشر ﷺ عن رسول الله ﷺ قال: «إِنَّ اللهَ تَعَالَی فَرَضَ فَرَائِضَ فَلاَ تُضَيِّعُوهَا، وَ حَـدَّدَ حُدُوداً فَلاَ تَـعْتَدُوْهَا، وَ حَـرَّمَ أَشْـيَاءَ فَـلاَ تَنْتَهِكُوهَا، وَ سَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ رَحْـمَةً لَكُـمْ غَيْرَ نِسْيَانٍ فَلاَ تَبْحَثُوا عنها.»

حَدِيْثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ الدار قطنی و غیره.

از ابوثعلبه خُشَنی، جُرثوم بن نـاشر ﷺ روایت است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: خداوند متعال فریضه‌هایی فرض کـرده است. آن‌هـا را پـایمال نکنید و حدودی را مشخص کرده است. از آن‌ها تجاوز نکنید و چیزهایی را حـرام کـرده است.

آن‌ها را هتک نکنید. در مورد [حکم] برخی از چیزها، بی‌آنکه دچار فراموشی شده باشد، صرفاً بخاطر شفقت بر شما، سکوت کرده است. بنابراین در مورد [حکم] آن‌ها کنجکاوی نکنید.



روایت دارقطنی و دیگران

۳۱

زهد واقعی

عن أبی العباس، سهل بن سعد الساعدی رضی الله عنه قال: **جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه وآله وسلم فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ، دُلَّنِی عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمِلْتُهُ أَحَبَّنِیَ اللهُ وَ أَحَبَّنِیَ النَّاسُ! فَقَالَ: «إِزْهَدْ فِی الدُّنْيَا يُحِبُّكَ اللهُ، وَ ازْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبُّكَ النَّاسُ.»**

حَدِيثٌ حَسَنٌ رواه ابن ماجة و غيره بِأَسَانِيدَ حَسَنَة.

از ابوالعباس سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت است که گفت: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت:

ای پیامبر خدا، مرا به انجام کاری راهنمایی کن که

هرگاه آن را انجام دهم، خداوند متعال و مردم مرا دوست بدارند.

فرمود: به دنیا دل مبند تا خداوند متعال تو را دوست بدارد و از آنچه نزد مردم است، رو بگردان تا مردم نیز تو را دوست بدارند.



روایت ابن ماجه و دیگران

۳۲

نباید به خود و
به دیگران آسیب رساند



عن أبی سعید، سعدبن مالك بن سِنان الخُدری ﷺ أَنَّ رَسولُ اللهِ ﷺ قال: «لاَ ضَرَرَ وَ لاَ ضِرَارَ.»

حدیث حسن رواه ابن ماجة و الدار قطنی و غیرهما مسنداً، و رواه مالك فی الموطأ مرسَلاً عن عمرو بن یحیی عن أبیه عن النبی ﷺ فأسقط أبا سعید، و له طرق یقوی بَعْضُهَا بَعْضاً.

از ابوسعید، سعدبن مالک بن سِنان خُدری ﷺ روایت است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: آسیب و زیان رساندن به خود و به دیگران وجود ندارد [و به کلی جایز نیست].

روایت ابن ماجه، دار قطنی، موطأ و دیگران

۳۳

شیوهٔ اثبات دعوا



عن ابـن عـباسٍ ـ رضـی الله عـنهما ـ أنّ رَسُولَ‌اللهِ ﷺ قَـالَ: «لَـو يُـعْطَى النَّـاسُ بِدَعْوَاهُـمْ، لاَدَّعَـىٰ رِجَـالٌ أَمْـوٰالَ قَـومٍ وَ دِمَاءَهُمْ، لكن اَلْبَيِّنَةُ عَلَى المُدَّعِيّ وَ الْيَمِيْنُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ.» حَديثٌ حَسَنٌ، رواه‌البیهقی و غیره هکذا و بعضه فی الصحیحین.

از ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ روایت است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: اگر به مجرد ادعا، [حق مورد ادعا] به مردم داده شود، مسلماً مـردمانی، اموال و خون‌های کسانی دیگر را ادعا مـی‌کنند. ولی، ارائهٔ گواه بر مدعی و سـوگند خـوردن بـر مُنکِر لازم است.

روایت بیهقی و دیگران و بخش هایی در صحیحین.

۳۴

تغییر منکر



عن ابی سعید الخُدری رضی‌الله‌عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ‌اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یَقُوْلُ: «مَنْ رَأی مِنْكُمْ مُنْكَراً فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَ ذٰلِكَ أَضْعَفُ الإيْمَانِ.» رواه مسلم

از ابوسعید خُدری رضی‌الله‌عنه روایت است که گفت: از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیدم که می‌فرمود: کسی از شما که کار زشتی دید، باید آن را با دست خود تغییر دهد؛ اگر نتوانست با زبان خود این کار را انجام دهد. [در نهایت] اگر باز هم نتوانست، باید با قلب خود [آن را بد بداند و این بد دانستن عمل زشت با قلب] ضعیف‌ترین [درجهٔ] ایمان است. روایت مسلم

۳۵

حقوق مسلمانان بر همدیگر



عَنْ أَبِیْ هُرَیْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ‌اللهِ صلی الله علیه وآله وسلم: «لاَ تَحَاسَدُوْا وَ لاَ تَنَاجَشُوْا وَ لاَ تَبَاغَضُوْا وَ لاَ تَدَابَرُوْا وَ لاَ یَبِعْ بَعْضُکُمْ عَلَی بَیْعِ بَعْضٍ، وَ کُوْنُوا عِبَادَ اللهِ إِخْوَاناً. أَلْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ: لاَ یَظْلِمُهُ وَ لاَ یَخْذُلُهُ وَ لاَ یَکْذِبُهُ وَ لاَ یَحْقِرُهُ. أَلتَّقْویٰ هَهُنَا - وَ یُشْیرَ إِلَی صَدْرِهِ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ - بِحَسْبِ امْرِیءٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ یَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ. کُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَی الْمُسْلِمِ حَرَامٌ: دَمُهُ وَ مَا لُهُ وَ عِرْضُهُ.»

رَوَاهُ مُسْلِمٌ

از ابوهُرَیره رضی الله عنه روایت است که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: نسبت به همدیگر حسادت



نورزید، [در داد و ستدها] به زبان یکدیگر سازش نکنید؛ به همدیگر کینه نورزید؛ به همدیگر پشت نکنید؛ [در داد و ستد] برخی بر فروش برخی دیگر نفروشند. ای بندگان خدا، برادر همدیگر باشید. یک مسلمان برادر مسلمان دیگر است؛ به او ستم نمی‌کند؛ او را تنها و بی‌یاور نمی‌گذارد؛ به او دروغ نمی‌گوید و او را خوار نمی‌شمارد. تقوا اینجاست - پیامبر به سینه‌اش اشاره کرد و این عمل و گفتار را سه بار تکرار کرد - برای شرارت یک تن همین بس است که برادر مسلمان خود را خوار شمارد. همه چیز یک مسلمان بر دیگری حرام است: خونش، مالش و آبرویش.

روایت مسلم

٣٦

آسانگیری بر تنگدستان، پوشیدن عیوب و خواندن دست جمعی قرآن



عَنْ أَبِیْ هُرَیْرَةَ رضی الله عنه عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ:
«مَنْ نَفَّسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ الدُّنْیَا، نَفَّسَ اللهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ یَوْمِ الْقِیَامَةِ، وَ مَنْ یَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ یَسَّرَ اللهُ عَلَیْهِ فِی الدُّنْیَا وَ الآخِرَةِ وَ مَن سَتَرَ مُسْلِماً سَتَرَهُ اللهُ فِی الدُّنْیَا وَ الآخِرَةِ، وَ مَنْ سَلَكَ طَرِیْقاً یَلْتَمِسُ فِیْهِ عِلْماً، سَهَّلَ اللهُ بِهِ طَرِیْقاً إِلَى الجَنَّةِ، وَ مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِیْ بَیْتٍ مِنْ بُیُوْتِ اللهِ یَتْلُوْنَ كِتَابَ اللهِ وَیَتَدَارَسُونَهُ بَیْنَهُمْ إِلاَّ نَزَلَتْ عَلَیْهِمُ السَّكِیْنَةُ، وَ غَشِیَتْهُمُ الرَّحْمَةُ، وَ حَفَّتْهُمُ الْمَلاَئِكَةُ، وَ ذَكَرَهُمُ اللهُ فِیْمَنْ عِنْدَهُ

بَطَّأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ.»

رَوَاهُ مُسْلِمٌ بِهٰذَا اللَّفْظِ



از ابوهُرَیْرَه ﷺ روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: هرکس از مؤمنی، اندوهی از اندوههای دنیا را برطرف کند، خداوند مشکلی از مشکلات روز قیامت را از او برطرف می‌کند. هرکس بر تنگدستی آسان گیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان می‌گیرد. کسی که [عیب] مسلمانی را بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت [عیب‌های] او را می‌پوشاند. مادام که بنده در حال کمک کردن به برادرش [دوستش] باشد، خداوند در حال کمک کردن به او خواهد بود. کسی که برای جستن علم، راهی را بپیماید، خداوند با آن برای او راهی به سوی بهشت هموار و آسان می‌کند و هرگاه مردمانی در خانه‌ای از خانه‌های خدا گرد آیند، تا کتاب خدا را بخوانند و آن را به همدیگر بفهمانند، بی‌گمان آرامش بر آنان فرود می‌آید؛

مهر و رحمت آنان را فرا می‌گیرد؛ فرشتگان احاطه‌شان می‌کنند و خداوند آنان را میان کسانی که نزد او هستند، یاد می‌کند. [قطعاً] کسی که عملش او را به دنبال اندازد، نسب جلو نمی‌اندازد.



روایت مسلم

٣٧

فضل و رحمت خداوند

عن إبن عباس ـ رضى الله عنهما ـ عن رَسُولِ‌اللهِ ﷺ فیما یرویه عن رَّبه، تبارك و تعالی، قال: «إِنَّ اللهَ كَتَبَ الحَسَنَاتِ وَ السَّيِّئَاتِ، ثُمَّ بَيَّنَ ذَٰلِكَ، فَمَن هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، وَ إِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا، كَتَبَهَا اللهُ عِنْدَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعمائَةِ ضِعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ، وَ إِنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا، كَتَبَهَا اللهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، وَ إِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا، كَتَبَهَا اللهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً.»

رواه البخاری و مسلم فی صحیحیهما بهذه الحروف.

از ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ نقل است که پیامبر خدا ﷺ از خداوند روایت کرده که فرمود: بدون تردید، خداوند خوبی‌ها و بدی‌ها را نوشته و سپس آن را تبیین کرده است: پس، کسی که تصمیم به انجام کار نیکی گرفت و سپس آن را انجام نداد، خداوند نزد خود برای او یک نیکی می‌نویسد و اگر کسی تصمیم به انجام کار نیکی گرفت و سپس آن را عملاً انجام داد، خداوند نزد خود آن را از ده، تا هفتصد، تا چندین برابر بیشتر می‌نویسد و اگر تصمیم به انجام کار بدی گرفت و سپس آن را انجام نداد، [باز هم] خداوند نزد خود، آن را یک نیکی کامل می‌نویسد و اگر تصمیم گرفت و سپس عملاً آن را انجام داد، خداوند [تنها] یک بدی برای او می‌نویسد.



روایت بخاری و مسلم

۳۸

عبادت، وسیلهٔ نزدیکی و محبت

عن أبی هریرة رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:
إنَّ اللهَ - تعالی - قال: «مَنْ عَادَی لِی وَلِیّاً فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالحَرْبِ، وَ مَا تَقَرَّبَ إِلَیَّ عَبْدِیْ بِشَیْءٍ أَحَبَّ إِلَیَّ مِمَّا افْتَرَضْتُهُ عَلَیْهِ، وَ لاَ یَزَالُ عَبْدِیْ یَتَقَرَّبُ إِلَیَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّی أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ، کُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِی یَسْمَعُ بِهِ، وَ بَصَرَهُ الَّذِیْ یُبْصِرُ بِهِ، وَ یَدَهُ الَّتِی یَبْطِشُ بِهَا، وَ رِجْلَهُ الَّتِی یَمْشِی بِهَا، وَ لَئِنْ سَأَلَنِیْ لَأُعْطِیَنَّهُ، وَ لَئِنْ إِسْتَعَاذَنِی لَأُعِیْذَنَّهُ.»

روواه البخاری

از ابوهُرَیْرَة رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند متعال فرموده است: کسی که با



دوستی از دوستان من دشمنی کرد، من به او اعلان جنگ کرده‌ام. مسلماً بندهٔ من با هیچ عملی که برایم از فرایض دوست داشتنی‌تر باشد، نمی‌تواند خود را به من نزدیک کند. بندهٔ من مدام با نوافل خود را به من نزدیک می‌کند تا او را دوست بدارم. چون او را دوست داشتم، گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، دستش می‌شوم که با آن می‌گیرد و پای او می‌شوم که با آن راه می‌رود. اگر او از من چیزی بخواهد، به او می‌دهم و اگر از من پناه بخواهد او را پناه می‌دهم.

روایت بخاری

۳۹

اجبار، فراموشی و اشتباه



عن إبن عـباس - رضـی الله عـنهما - أَنَّ رَسُولَاللهِ ﷺ قَالَ: «إِنَّ اللهَ تَجَاوَزَ لِیْ عَنْ أُمَّـتِی الخَـطَأَ وَالنِّسْـیَانَ وَ مَـا اسْـتُکْرِهُوا عَلَیْهِ.»

حدیث حسن، رواه ابن ماجه و البیهقی و غیرهما.

از ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: خداوند بخاطر من از [آن دست از کـارهای امـتم کـه از روی] خـطا و فراموشی انجام می‌دهند و نیز آنچه بر انجام آن مجبور شده‌اند، گذشت کرده است.

روایت ابن ماجه، بیهقی و دیگران

۴۰

رهگذری بیگانه در زندگی



عن ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ قال أَخَذَ رَسُولُ‌اللهِ ﷺ بِمَنْكِبَيَّ فَقال: «كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيْبٌ، أَوْ عَابِرُ سَبِيْل.» وَ كَانَ ابنُ عُمرَ ـ رضی الله عنهما ـ يَقُولُ: «إِذَا اَمْسَيْتَ فَلاَ تَنْتَظِرِ الصَّبَاحَ، وَ إِذَا أَصْبَحْتَ فَلاَ تَنْتَظِرِ المَسَاءَ، وَ خُذْمِنْ صِحَّتِكَ لِمَرضِكَ وَ مِنْ حَيَاتِكَ لِمَوْتِكَ.» رواه البخاری

از ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ روایت است که گفت: پیامبر خدا ﷺ شانه‌ام را گرفت و فرمود: در دنیا به گونه‌ای باش که انگار یک غریبه یا یک راهگذر هستی.

ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ می‌گفت: هرگاه وارد

شب شدی، منتظر بامداد مباش [و غصهٔ آن را مخور] و چون وارد بامداد شدی، منتظر شب مباش و در زمان تندرستی برای زمان بیماری و از زندگی‌ات برای مرگت، توشه برگیر.

روایت بخاری



۴۱

نشانهٔ ایمان



عن أبی محمد، عبدالله بن عمرو بن العاص ـ رضی الله عنهما ـ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: «لاَ يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَوَاهُ تَبْعَاً لِمَا جِئْتُ بِهِ.»

حديث حسن رويناه فی کتاب «الحجة» باسناد حسن

از ابومحمد عبدالله بن عمروبن عاص ـ رضی الله عنهما ـ روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: هیچ‌یک از شما مؤمن نیست تا آنکه هوس‌ها و خواسته‌های او، پیرو آنچه من آورده‌ام، باشند.

کتاب الحجة

۴۲

گستردگی مغفرت خداوند

عن أنس رضي الله عنه قالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم يَقُوْلُ: «قَالَ اللهُ تَعَالَى: يَاابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِيْ وَ رَجَوْتَنِيْ غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنْكَ وَ لاَ أُبَالِي. يَا ابْنَ آدَمَ، لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ. يَاابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَوأَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الأَرْضِ خَطَايَا ثُمَّ لَقِيْتَنِيْ لاَ تُشْرِكُ بِي شَيئاً، لأَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً.»

رواه الترمذی و قال: حدیث حسن صحیح

از انس رضي الله عنه روایت است که گفت: از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم شنیدم که می‌فرمود: خداوند متعال می‌فرماید: ای آدمیزاد، مادامی که تو مرا بخوانی

و از من امید داشته باشی، همهٔ آنچه را که از تو سر زده، می‌آمرزم و پروا هم ندارم. ای آدمیزاد، اگر گناهان تو به ابرهای آسمان هم برسند و آن‌گاه تو از من آمرزش بخواهی، تو را مـی‌آمرزم. ای آدمیزاد، اگر تو به اندازهٔ پری زمین از گناه نزد من بیایی و سپس در حالی که به من شرک نورزیده باشی مرا دیدار کنی، به اندازهٔ پری زمین به تـو آمرزش می‌دهم.



روایت ترمذی

پایان ترجمه: ۲۹ رمضان ۱۴۲۰